

فصلنامه پژوهش‌های نوین روانشناختی

سال دوازدهم شماره ۴۵ بهار ۱۳۹۶

## بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه مادران با سرمایه روانشناختی و خلاقیت فرزندان

علی قره‌داغی<sup>۱</sup>

مهدی زمستانی<sup>۲</sup>

جعفر محمودی<sup>۳</sup>

### چکیده

پژوهش حاضر به منظور بررسی رابطه ساده و چندگانه ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه مادران با سرمایه روانشناختی و خلاقیت فرزندان آنها انجام شد. جامعه آماری پژوهش کلیه دانشجویان مقطع کارشناسی رشته‌های علوم انسانی دانشگاه آزاد مرند بود ( $N=415$ )، که از این جامعه آماری تعداد ۲۰۰ نفر به عنوان حجم نمونه از طریق روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای و با استفاده از فرمول کوکران انتخاب شد. پژوهش حاضر از نوع توصیفی - همبستگی می‌باشد. ابزارهای جمع‌آوری اطلاعات شامل پرسشنامه سنجش ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینی، پرسشنامه سرمایه روانشناختی و آزمون خلاقیت بودند که به ترتیب دارای ضریب پایایی ۰/۹۲، ۰/۸۹ و ۰/۸۷ می‌باشند. برای تحلیل داده‌ها علاوه بر روش‌های توصیفی میانگین و انحراف معیار از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه برای آزمون فرضیه‌ها استفاده شد. نتایج به دست آمده از پژوهش نشان داد که: بین ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه مادران با سرمایه روانشناختی و خلاقیت دختران رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد؛ در حالی که رابطه میان ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه مادران با سرمایه روانشناختی و خلاقیت پسران معنی‌دار نبود.

۱- استادیار دانشگاه تبریز، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، گروه علوم تربیتی

۲- استادیار دانشگاه کردستان، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، گروه روانشناسی (نویسنده مسئول)  
Email: M.zemestan@gmail.com

۳- کارشناسی ارشد مشاوره شغلی

هم‌چنین نتایج به‌دست آمده از تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام نشان داد که؛ از ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینی، مولفه‌های تحمل ابهام (۱۸/۱)، ریسک‌پذیری (۱۵/۸) و توفیق‌طلبی (۱۱/۳) درصد واریانس متغیر خلاقیت را تبیین کرده‌اند. در نهایت مولفه‌های مرکز کنترل درونی و خلاقیت از ویژگی‌های صفات کارآفرینی رابطه معنی‌داری با سرمایه روانشناختی داشتند و مؤلفه توفیق‌طلبی بیش‌ترین رابطه را با سرمایه روانشناختی داشته است (۳۱۰ =). یافته‌های پژوهش حاضر تلویحاتی را به همراه دارد که در مقاله به آنها اشاره شده است.

**واژگان کلیدی:** کارآفرینی، کارآفرین، ویژگی‌های شخصیتی، سرمایه روانشناختی، خلاقیت.

#### مقدمه

کارآفرینی<sup>۱</sup> موضوعی است که از اواخر قرن بیستم مورد توجه محافل آموزشی کشورهای جهان قرار گرفته است. اما مهم این است که اکنون در عرصه جهانی افراد خلاق و مبتکر به‌عنوان کارآفرینان، منشأ تحولات بزرگی در زمینه صنعتی، تربیتی و خدماتی شده‌اند. هم‌چنین چرخه‌های توسعه اقتصادی همواره با توسعه کارآفرینی به‌حرکت در می‌آید؛ به‌عبارت بهتر، کارآفرینی موتور رشد و توسعه است. کارآفرینی اغلب به‌عنوان یک عامل یا سازمان‌دهنده اقتصاد ملی و منطقه‌ای ظاهر می‌شود. آن به‌نظر می‌رسد به‌عنوان داروی شفابخش تمام اقتصاد بیمار است و به‌عنوان مسیر درستی برای افزایش مشاغل جدید می‌باشد. برای مثال اکد (۱۹۹۸) بیان می‌کند: بیش‌تر کشورها به سمت تشویق کارآفرینی حرکت می‌کنند. دلیل این حرکت به سمت بالا، انجام جامع آن است. خطمشی‌های کارآفرینی واکنش مفیدی برای کشورهایی است که می‌خواهند وفق‌پذیری و بهبود توانایی اقتصادی‌شان جهت ایجاد مشاغل را تقویت کنند (فودوریک<sup>۲</sup>، ۲۰۰۷). جمعیت کارآفرینان در برخی جوامع نسبت به دیگر جوامع بالاتر است. محیط‌های اقتصادی و سیاسی بر تمایل افراد به کارآفرینی تأثیر دارد. شاید «روح کارآفرینی» قسمتی از یک «ویژگی شخصیتی و جمعی» است و به‌وسیله ارزش‌ها و فرهنگ اجتماعی تعیین می‌شود.

کارآفرینان متفاوت از مردم عادی هستند. آنها اغلب شبکه اجتماعی قوی دارند. آنها قادرند فرصت‌هایی را ببینند که دیگران نمی‌توانند ببینند. آنها با ریسک‌هایی که دیگران از آن اجتناب می‌کنند، مواجه می‌شوند. آنها خوش‌بین هستند درحالی‌که دیگران محافظه‌کارند. مارک کاسون<sup>۱</sup> (۱۹۹۳) در تعریف کارآفرینی نوشته است: «تأمین کارآفرینان تنها به پاداش و طبقه اجتماعی بستگی ندارد بلکه به شخصیت، فرهنگ و تجربه زندگی نیز بستگی دارد. یک کارآفرین اغلب عقیده‌اش را در تعارض با نظر اکثریت می‌یابد. او به اعتماد به نفسی نیاز دارد که حتی اگر در کمترین مقدار باشد و در شناسایی فرصت‌های سودآور نیاز به ترکیب اطلاعات از منابع مختلف دارد» (فوجل و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۰۶).

بازبینی ادبیات کارآفرینی نشان می‌دهد که واژه کارآفرینی برای اولین بار در سال ۱۷۵۵ توسط کانتیلون ابداع گردید و اهمیت و نقش آن در ایجاد ثروت و ارزش اقتصادی مورد بحث قرار گرفت. از زمان ابداع واژه کارآفرینی تاکنون مبحث کارآفرینی در حوزه‌های متفاوتی مورد بررسی قرار گرفته است. به‌طور کلی روند مطالعات کارآفرینی را می‌توان به چهار دوره تقسیم کرد. دوره اول از سال ۱۷۵۵ با ابداع واژه کارآفرینی: در این دوره کارآفرینی در حوزه علوم اقتصادی مورد توجه بود و فرایند کارآفرینی به‌عنوان عامل ایجاد و توزیع ثروت مورد نظر و مطالعه قرار گرفت. دوره دوم که مفهوم کارآفرینی از محدوده علوم اقتصادی فراتر رفت و از دیدگاه علم روانشناسی مورد بررسی قرار گرفت و ویژگی‌ها و خصوصیات شخصیتی کارآفرینان به‌عنوان عامل کارآفرینی وارد مباحث کارآفرینی گردید. دوره سوم از دهه ۱۹۶۰ شروع شد و تأثیر عوامل محیطی و ویژگی‌های رفتاری را در کارآفرینی مورد مطالعه قرار می‌دهد. در این دوره کارآفرینی در حوزه علم جامعه‌شناسی جایگاه ویژه‌ای کسب کرد و عواملی مانند: الگوی نقش، نارضایتی شغلی-عوامل محیطی و تجربیات کودکی وارد مطالعات کارآفرینی گردیدند. دوره چهارم که همراه با گسترش و افزایش رقابت‌های جهانی و توسعه سازمانی به‌وجود آمده و مدیران را ترغیب به بکارگیری افرادی با ایده‌های خلاق نموده و آنها را به‌سوی تسهیل فرایند

کارآفرینی سوق داده است. در واقع کارآفرینی مورد توجه علوم مدیریتی واقع شده تا از این طریق سازمان‌ها بستر فعالیت‌های کارآفرینانه فردی و گروهی گردند (به نقل از قیدر و همکاران، ۱۳۸۹). جامعه‌شناسان و دیگر نظریه‌پردازان علوم مدیریت در مطالعات کارآفرینی با استفاده از رویکرد رفتاری، مهم‌ترین عوامل مؤثر در کارآفرینی را مطرح نمودند. بر اساس نظریه ویلیام بایگرو (۱۹۹۴) عوامل شخصی، روانی و محیطی در کارآفرینی مهم هستند. تصمیم‌گیری یا فقدان تصمیم‌گیری برای ورود به کسب و کار و تعقیب ایده کارآفرینی به عواملی همچون زمینه‌های شغلی، شرایط کودکی، خانواده، دوستان، الگوی نقش، وضعیت اقتصادی و تجارب قبلی بستگی دارد (احمد پورداریانی، ۱۳۷۸). بروکهاوس و نورد<sup>۱</sup> (۱۹۸۰) نیز در مطالعات خود دریافتند که حداقل ۴۰ درصد کارآفرینان در خانواده‌های خود تجربه‌های کارآفرینی را مشاهده کرده‌اند (به نقل از فرای<sup>۲</sup>، ۱۹۹۳). از سوی دیگر ادبیات موجود در حوزه کارآفرینی مهم‌ترین ویژگی‌های افراد کارآفرین را اعتمادبه‌نفس، خلاقیت، انگیزه پیشرفت، پشتکار، انعطاف‌پذیری، خوش بینی، خودکارآمدی و غیره عنوان کرده‌اند (هورنادی<sup>۳</sup> (۱۹۸۲)؛ لاثنت و همکاران، ۲۰۰۷). در خصوص مشخصات روانی، اجتماعی، تجربی، رفتاری و گرایش‌های کارآفرینان مطالعات نسبتاً زیادی شده و ویژگی‌های شخصیتی متفاوتی در متون مختلف ارائه شده است. اما از یک سو اشخاصی که خود را واقعاً درگیر کارهای کارآفرینانه می‌کنند، سخت پیدا می‌شوند و از سوی دیگر هیچ‌یک از آنها کارآفرین صرف به‌شمار نمی‌آید و بخصوص همواره و در همه امور کارآفرین نیست، از این رو تشخیص ویژگی‌های آنان مشکل است. اما بر اساس نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده<sup>۴</sup>، نگرش نسبت به عمل به درجه‌ای که فرد ارزیابی مناسب یا نامناسب از رفتار در مساله داشته باشد، برمی‌گردد. طبق این تئوری افراد تمایل به بیان رفتار خود در مواجهه با نگرش‌های پیشین نسبت به رفتار و هنجارهای ذهنی دارند. بر اساس این تئوری افرادی که فرهنگ بازتری نسبت به کارآفرینی دارند، تمایل بیشتری نسبت به ایجاد کارآفرینی از خود نشان می‌دهند (آزجین<sup>۵</sup>، ۱۹۹۱).

- Brockhause & Noerd  
- Hornaday  
- Azjin

- Fry  
- Planned Behavior

کارآفرینی فرایند ارزش بخشی به ایده‌های خلاقانه و نوآورانه و نیرویی محرک برای رشد اقتصادی، سازمان کاری و افزایش سرمایه است (دبروین<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷). بور<sup>۲</sup> (۲۰۰۸) بیان می‌کند؛ کارآفرینی در اصل مقابله اصول در چارچوب قرار گرفته قبلی و ایده‌های خلاقانه و نوین می‌باشد. مطالعات گسترده‌ای روی روند کارآفرینی در ایالات متحده نشان داد خصوصیتی که به سبب آن یک طرح کارآفرینانه به ثمر می‌نشیند تقریباً همسان بوده و فرد کارآفرین دارای ویژگی‌های مشابهی در این زمینه می‌باشد. خصوصیتی همچون قابلیت ابداع و نوآوری در سیستم‌های عظیم، هر چند که ممکن است فرایند کارآفرینی همواره سبب رشد و پیشرفت یک سیستم نگردد و چه بسا که باعث عدم پیشرفت و رسیدن به نقطه آغازین باشد. استانلی<sup>۳</sup> (۲۰۰۵) کارآفرینی را درک و دیدن فرصت‌ها و تغییر آنها به موفقیت‌های کاری و تجاری می‌داند. کارآفرینی فرایندی خلاقانه می‌باشد که فرصت‌های شهودی و منابع سیال بسیاری در آن فرایند وجود دارند و همگی مانند سیستمی عمل می‌کنند که اوج آن تغییر بکارگیری راه‌های نوآورانه و دستیابی به تعدادی موفقیت می‌باشد زیرا احتمال شکست این فرایند زیاد است (اش<sup>۴</sup>، ۲۰۰۵). موضوع کارآفرینی همیشه با خلاقیت و نوآوری عجین بوده است. خلاقیت و کارآفرینی آن چنان لازم و ملزوم یکدیگر هستند که می‌توان گفت کارآفرینی بدون خلاقیت و نوآوری حاصلی ندارد. هرمان<sup>۵</sup>، پدر فناوری تسلط مغز معتقد است که هر شخصی مخلوط بی‌همتایی از تمایلات متفاوت فکری است و این تمایلات منجر به بروز متفاوت رفتار خواهد شد. هم‌چنین اسبورن<sup>۶</sup>، پیشگام اشاعه خلاقیت به‌عنوان یک توانایی عام که همه با آن متولد می‌شوند، اعتقاد داشت توانایی خلاقیت را می‌توان با کاربرد روش‌هایی که خود ابداع‌کننده بعضی از مهم‌ترین آنها بوده است، پرورش داد (قاسم زاده، ۱۳۸۱).

مفهوم جدیدی که به تازگی وارد ادبیات رفتار‌سازمانی شده سرمایه روانشناختی است. سرمایه روانشناختی ریشه در نهضت روانشناسی مثبت‌گرا دارد. به‌زعم (سیگزنز میهالی و

- Debrain  
- Stanely

- Bower  
- Ash

- Herman

- Osborn

سلیگمن<sup>۱</sup>، (۲۰۰۰) «روان‌شناسی مثبت‌گرا علم تجارب مثبت روانی، خصلت‌های مثبت فردی و سازمان‌های مثبت‌گرا است». لوتانز (۲۰۰۲) پیشگام رفتار سازمانی مثبت‌گرا، کاربرد مثبت‌گرایی در محیط کار را بیشتر در راستای توجه و تقویت توانمندی‌های کارکنان می‌دید تا مدیریت نقاط ضعف آنها (نلسون و کوپر، ۲۰۰۷). سرمایه روانشناختی در واقع به مفهوم «چه کسی هستید (خود واقعی)» و «چه کسی می‌خواهید بشوید (خودممکن)» بر یک مبنای توسعه‌ای و رشدیابنده بازمی‌گردد (آوولی و لوتانز<sup>۲</sup>، ۲۰۰۶). به‌زعم لوتانز و همکاران (۲۰۰۷) سرمایه روانشناختی یک وضعیت توسعه‌ای مثبت روانشناختی با مشخصه‌های زیر است: الف) تعهد و تلاش لازم برای موفقیت در کارها، وظایف چالش‌برانگیز (عتمادبه‌نفس / خودکارآمدی؛ ب) داشتن اسناد مثبت درباره موفقیت‌های حال و آینده (خوش‌بینی)؛ ج) پایداری در راه هدف و در صورت لزوم تغییر مسیر رسیدن به هدف برای دستیابی به موفقیت (امیدواری) و د) پایداری هنگام مواجهه با سختی‌ها و مشکلات برای دستیابی به موفقیت (انعطاف‌پذیری).

با وجود توان بالقوه سرمایه روانشناختی در پیش‌بینی نتایج شغلی متنوع و مطلوب، توجه کمی در ارتباط با عملکرد نوآوری شغلی شده است. مطالعه محمدعباس<sup>۳</sup> (۲۰۱۱) تحت عنوان تأثیر سرمایه روانشناختی بر عملکرد نوآورانه و استرس شغلی از ۲۳۷ کارگر از سازمان‌های مختلف نشان داد که سرمایه روانشناختی ارتباط مثبت و معنی‌داری با عملکرد نوآورانه و ارتباط منفی با استرس شغلی دارد. افراد با سرمایه روانشناختی بالا رفتارهای نوآورانه زیادی از خود نشان می‌دهند و در عین حال استرس شغلی کمتری را تجربه می‌نمایند. هاوس<sup>۴</sup> (۲۰۰۲) در تحقیق خود نشان داد که سرمایه روانشناختی افراد به تنهایی پیش‌بینی‌کننده موفقیت اقتصادی افراد است. او در تحقیق خود تأکید نمود که سرمایه روانشناختی بیش از هر نوع سرمایه دیگری همچون سرمایه اجتماعی، هوشی، مالی یا مادی پیش‌بینی‌کننده ریسک کارآفرینانه و موفقیت در کسب و کار می‌باشد. والی<sup>۵</sup> و همکاران (۲۰۰۹) در پژوهشی که بر روی ۷۰۴ نفر از کارآفرینان با عنوان سرمایه

- Csikszentmihalyi &amp; Seligman

- Avolio &amp; Luthans

- Muhammad Abbas  
- Valli

- House

روانشناختی و رشد روحیه کارآفرینی به انجام رساندند به این نتیجه دست یافتند که سرمایه روانشناختی اثر مثبت و معناداری بر روی سطح روحیه کارآفرینی دارد. نتایج نشان می‌دهد هر چند، تمام مولفه‌های سرمایه روانشناختی در فرایند کارآفرینی از اهمیت برخوردارند با این حال دو مؤلفه امیدواری و خودکارآمدی از قابلیت پیشگویی بالاتری برخوردار هستند. پژوهش استیومن<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۱۰) نشان داد که رابطه مثبت و معناداری بین مولفه‌های سرمایه روانشناختی و عملکرد خلاقانه وجود دارد. با این حال هنگامی که حاصل جمع بین مولفه‌های سرمایه روانشناختی مورد توجه قرار می‌گیرد پیش‌بینی‌کننده بهتری از عملکرد خلاقانه خواهد بود (به نقل از فروهر و همکاران، ۱۳۹۰). معرفاوی (۱۳۸۱) تحقیقی با عنوان بررسی رابطه عوامل آموزشگاهی و خانوادگی مؤثر در خلاقیت انجام داد. نتایج نشان داد عوامل خانوادگی و بخصوص تحصیلات مادران رابطه معنادار مثبت وجود دارد. همچنین بین خلاقیت و جنسیت رابطه معناداری حاکم است و در این زمینه پسران از خلاقیت بیشتری برخوردار هستند.

با توجه به آنچه که گفته شد پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این سوال است که آیا ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه مادران بر سرمایه روانشناختی و خلاقیت فرزندان آنها تأثیرگذار است یا نه؟

### روش پژوهش

از نظر هدف پژوهش حاضر از نوع تحقیقات کاربردی است. جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه به روش گام‌به‌گام استفاده شد.

### جامعه، حجم نمونه، روش نمونه‌گیری

جامعه آماری در پژوهش حاضر کلیه دانشجویان رشته‌های علوم انسانی دانشگاه آزاد شهرستان مرند است که در سال تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱ مشغول به تحصیل بودند (N=۴۱۵). روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای بوده است. به این صورت که از بین

---

- Sweetman

کلاس‌های رشته‌های مختلف علوم انسانی چند کلاس به صورت تصادفی انتخاب و از ۴۱۵ دانشجوی انتخاب شده از بین این کلاس‌ها، تعداد ۲۰۰ نفر به عنوان حجم نمونه که از طریق جدول مورگان به دست آمده بود، به صورت تصادفی انتخاب و در پژوهش حاضر شرکت داده شد.

### ابزار سنجش

پرسشنامه سرمایه روانشناختی: برای سنجش سرمایه روانشناختی از پرسشنامه ۲۴ ماده‌ای سرمایه روانشناختی (لوتانز و همکاران، ۲۰۰۷) استفاده شد. در این پرسشنامه برای هر یک از مولفه‌های سرمایه روانشناختی ۶ ماده در نظر گرفته شده است. پرسشنامه مذکور برای اولین بار توسط پژوهشگران (۱۳۸۹) به فارسی برگردانده شد و برای اجرا تنظیم گردید. لوتانز و همکاران (۲۰۰۷) ضریب پایایی با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۹ و ۰/۸۸ به دست آوردند. لوتانز و همکاران (۲۰۰۷) روایی مناسب و بسیار بالایی برای این مقیاس گزارش کردند. پایایی این مقیاس در پژوهش نیسی و همکاران (۱۳۹۰) با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۸۹ به دست آمد.

پرسشنامه خلاقیت عابدی: برای سنجش خلاقیت از آزمون خلاقیت عابدی استفاده شد. این آزمون ۶۰ سوال سه گزینه‌ای دارد که از چهار خرده‌آزمون سیالی، بسط، ابتکار و انعطاف‌پذیری تشکیل شده است. پایایی آزمون خلاقیت عابدی، از طریق آزمون مجدد برای بخش سیالی ۰/۸۵، ابتکار ۰/۸۲، انعطاف‌پذیری ۰/۸۴، و بسط ۰/۸۰ گزارش شده است (دائمی و مقیمی بارفروش، ۱۳۸۳). پایایی آزمون عابدی از طریق بازآزمایی ۰/۸۵ و با استفاده روش دو نیمه‌سازی و آلفای کرونباخ در کل آزمون بین ۰/۸۱ تا ۰/۸۷ گزارش شده است. ضریب روایی آزمون با استفاده از روایی سازه به وسیله عابدی ۰/۴۶ گزارش شده است (شکرکن و همکاران، ۱۳۸۱).



پرسشنامه شخصیت کارآفرینانه: این پرسشنامه را اسدالله کردنائج، زالی، شمس و هومن (۱۳۸۶) ساخته‌اند که شامل ۳۰ سوال است که هر ۵ سوال به اندازه‌گیری یک مقیاس ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینی که عبارتند از «ریسک‌پذیری، مرکز کنترل درونی، توفیق‌طلبی، خلاقیت، تحمل ابهام و استقلال» می‌پردازد. روایی و اعتبار این پرسشنامه را کردنائج و همکاران (۱۳۸۶) مورد بررسی قرار داده و آلفای کرونباخ آزمون مذکور ۰/۹۲ گزارش شده است که نشان‌دهنده اعتبار بالای این پرسشنامه است (علی‌پور و همکاران، ۱۳۹۱).

#### یافته‌ها

در ابتدا مشخصات توصیفی و شاخص‌های آماری گروه مورد بررسی در متغیرهای وابسته پژوهش ارائه گردیده است.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که ۵۵/۵ درصد افراد مورد بررسی را زنان و ۴۴/۵ درصد را مردان تشکیل داده‌اند. دامنه سنی پاسخگویان بین ۱۹ تا ۴۵ سال و میانگین سن آنان ۲۵/۵۴ سال می‌باشد. از نظر وضعیت تأهل ۵۵/۵ درصد پاسخگویان مجرد و ۴۴/۵ درصد متأهل می‌باشند. بررسی متغیر اشتغال افراد مورد بررسی نشان داد که ۳۸ درصد خود را شاغل، ۶۲ درصد غیرشاغل می‌باشند.

جدول (۱) میانگین و انحراف معیار نمره آزمودنی‌ها در ویژگی‌های شخصیتی و ابعاد آن، سرمایه روانشناختی و خلاقیت فرزندان

متغیرها	میانگین	انحراف استاندارد	کمترین مقدار	بیشترین مقدار	تعداد
ریسک‌پذیری	۱۱،۵۸	۴،۲	۵	۱۹	۲۰۰
تحمل ابهام	۱۳،۷۱	۲،۹۳	۵	۱۸	۲۰۰
کنترل درونی	۱۳،۹۱	۳،۳۶	۶	۱۹	۲۰۰
استقلال	۱۴،۷۸	۳،۲۱	۸	۲۰	۲۰۰
توفیق‌طلبی	۱۳،۴۷	۳،۲۱	۷	۱۹	۲۰۰
خلاقیت	۱۴،۸۲	۲،۴۱	۷	۲۰	۲۰۰
ویژگی‌های شخصیت	۸۲،۲۹	۹،۸۱	۶۴	۱۰۲	۲۰۰

۲۰۰	۱۶۵	۹۰	۱۷،۷۶	۱۲۴،۵۱	سرمایه روانشناختی
۲۰۰	۱۴۲	۷۰	۱۶،۵۰	۱۰۰،۸۵	خلاقیت فرزندان

از ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه بین متغیرهای پژوهش (ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه، سرمایه روانشناختی و خلاقیت) استفاده شد.

جدول (۲) نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون برای متغیرهای شخصیت کارآفرینانه مادران و سرمایه روانشناختی دانشجویان دختر و پسر

متغیرها	ریسک پذیری	تحمل ابهام	کنترل درونی	استقلال	توفیق طلبی	خلاقیت شخصیت
سرمایه روانشناختی دختران	-۰،۰۷۸	۰،۱۷۰	*۰،۲۱۴	۰،۱۶۲	**۰،۴۶۹	*۰،۲۰۲
سطح معنی‌داری	۰،۴۱۴	۰،۰۷۴	۰،۰۲۴	۰،۰۹۰	۰،۰۰۰	۰،۰۰۱
سرمایه روانشناختی پسران	-۰،۳۹۴	*۰،۲۲۸	**۰،۳۰۷	*۰،۲۴۴	۰،۱۹۶	-۰،۰۳۸
سطح معنی‌داری	**	۰،۰۳۱	۰،۰۰۳	۰،۰۲۱	۰،۰۶۵	۰،۰۸۴

در تمامی جداول ۱- $\epsilon$ : \*\* معنی‌دار در سطح کوچکتر از ۰،۰۱، \* معنی‌دار در سطح کوچکتر از ۰،۰۵

نتایج مندرج در جدول (۲) نشان می‌دهد بین ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه مادران با سرمایه روانشناختی دختران رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد و این رابطه در سطح ( $p < ۰/۰۱$ ) معنی‌دار است. در ضمن از ویژگی‌های شخصیت کارآفرینانه مؤلفه‌های کنترل درونی و خلاقیت ( $p < ۰/۰۵$ ) و توفیق طلبی ( $p < ۰/۰۱$ ) به تنهایی رابطه معناداری با سرمایه روانشناختی دختران داشتند. همچنین، نتایج مندرج در جدول (۲) نشان می‌دهد بین ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه مادران با سرمایه روانشناختی پسران در حالت کلی رابطه معناداری وجود ندارد. در ضمن از ویژگی‌های شخصیت کارآفرینانه مؤلفه‌های ریسک‌پذیری، کنترل درونی و استقلال رابطه معناداری با سرمایه روانشناختی مشاهده شد.

جدول (۳) نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون برای متغیرهای شخصیت کارآفرینانه مادران و خلاقیت دانشجویان دختر

متغیرها	ریسک	تحمل	کنترل	استقلال	توفیق	خلاقیت شخصیت
---------	------	------	-------	---------	-------	--------------

طلبی	درونی	ابهام	پذیری
۰،۰۷۰	۰،۱۶۴	۰،۱۳۶	-۰،۰۴۳
۰،۳۲۱**	۰،۴۲۳**	۰،۱۵۶	۰،۶۵۶
۰،۰۰۱	۰،۰۸۶	۰،۰۰۰	۰،۰۰۰

نتایج به‌دست آمده در جدول (۳) نشان می‌دهد بین ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه مادران با خلاقیت دختران رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد و این رابطه در سطح  $(p < 0/01)$  معنی‌دار است. در ضمن از ویژگی‌های شخصیت کارآفرینانه، مولفه‌های کنترل درونی و توفیق‌طلبی  $(p < 0/01)$  بیشترین رابطه معنادار را با خلاقیت دختران داشته‌اند.

جدول (۴) نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون برای متغیرهای شخصیت کارآفرینانه مادران و خلاقیت دانشجویان پسر

متغیرها	ریسک پذیری	تحمل ابهام	کنترل درونی	استقلال	توفیق طلبی	خلاقیت شخصیت
خلاقیت پسران	-۰،۳۵۹**	۰،۲۹۴*	۰،۱۹۴	۰،۱۱۹	۰،۳۰۹**	-۰،۱۰۶
سطح معنی‌داری	۰،۰۰۱	۰،۰۱۹	۰،۰۶۸	۰،۲۶۵	۰،۰۰۳	۰،۳۲۲

نتایج مندرج در جدول (۴) نشان می‌دهد بین ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه مادران با خلاقیت پسران رابطه معنادار وجود ندارد. در ضمن از ویژگی‌های شخصیت کارآفرینانه مؤلفه تحمل ابهام  $(p < 0/05)$  و ریسک‌پذیری و توفیق‌طلبی  $(p < 0/01)$  به تنهایی رابطه معناداری با خلاقیت پسران داشتند.

همچنین، به‌منظور بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه مادران با سرمایه روانشناختی و خلاقیت فرزندان از رگرسیون چندمتغیره با روش گام‌به‌گام استفاده شد. سرمایه روانشناختی و خلاقیت به‌عنوان متغیرهای ملاک و ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه به‌عنوان متغیر پیش‌بین، در نظر گرفته شده است.

جدول (۵) مدل رگرسیونی گام به گام مربوط به سهم هر یک از ابعاد ویژگی‌های شخصیتی در تبیین سرمایه روانشناختی

متغیرها	ضریب	ضریب تعیین	Adjusted R Square	F	P
---------	------	------------	-------------------	---	---

	R Square	همبستگی R
توفیق طلبی	۰,۳۵۰	۰,۱۲۳
ریسک‌پذیری	۰,۳۸۷	۰,۱۵۰
تحمل ابهام	۰,۴۱۵	۰,۱۷۲

همانطور که در جدول فوق مشاهده می‌شود در گام اول متغیر توفیق طلبی به دلیل دار بودن بالاترین ضریب همبستگی صفر مرتبه با متغیر وابسته سرمایه روانشناختی وارد معادله رگرسیون شده ۱۲,۳ درصد واریانس متغیر سرمایه روانشناختی را تبیین کرده است و همچنین مقدار  $F$  (۲۷,۶۶۱) موجود در جدول نشان می‌دهد این میزان تبیین شده و در نتیجه مدل رگرسیون در گام اول و در سطح ۰,۰۱ معنی‌دار است. در گام دوم متغیر ریسک‌پذیری به دلیل دار بودن بالاترین ضریب همبستگی صفر مرتبه با متغیر وابسته سرمایه روانشناختی وارد معادله رگرسیون شده ۱۵ درصد واریانس متغیر سرمایه روانشناختی را تبیین کرده است و همچنین مقدار  $F$  (۱۷,۳۹۹) موجود در جدول نشان می‌دهد این میزان تبیین شده و در نتیجه مدل رگرسیون در گام اول و در سطح ۰,۰۱ معنی‌دار است. و در گام سوم متغیر تحمل ابهام به دلیل دار بودن بالاترین ضریب همبستگی صفر مرتبه با متغیر وابسته سرمایه روانشناختی وارد معادله رگرسیون شده ۱۷ درصد واریانس متغیر سرمایه روانشناختی را تبیین کرده است و همچنین مقدار  $F$  (۱۳,۶۱۰) موجود در جدول نشان می‌دهد این میزان تبیین شده و در نتیجه مدل رگرسیون در گام اول و در سطح ۰,۰۱ معنی‌دار است.

جدول (۶) ضرایب تأثیر مدل نهایی رگرسیونی متغیرهای مستقل تبیین‌کننده میزان سرمایه روانشناختی

متغیرها	ضریب تأثیر غیر استاندارد $\beta$	$\beta$	t	P
مقدار ثابت	۷۷,۰۳۵	-	۱۱,۱۸۳	۰,۰۰۰
توفیق طلبی	۱,۵۴۲	۰,۲۷۳	۳,۹۲۷	۰,۰۰۰
ریسک‌پذیری	-۰,۸۰۸	-۰,۲۰۶	-۰,۳۰۴	۰,۰۰۳
تحمل ابهام	۰,۹۰۵	۰,۱۶۱	۲,۲۹۷	۰,۰۲۳

بر اساس اطلاعات موجود در جدول فوق، توفیق‌طلبی متغیری بوده است که دارای بیشترین رابطه با متغیر سرمایه روانشناختی است. ضریب بتا نشان می‌دهد که این متغیر به نسبت سایر متغیرها پیش‌بینی‌کننده قوی‌تری است. متغیرهای ریسک‌پذیری و تحمل ابهام هم که وارد مدل شده‌اند نیز دارای تأثیر معنی‌داری بر متغیر وابسته می‌باشند. نگاهی به جهت تأثیرگذاری متغیرها نشان می‌دهد که متغیرهای توفیق‌طلبی و تحمل ابهام به صورت مثبت بر سرمایه روانشناختی تأثیرگذار هستند و تنها متغیر ریسک‌پذیری دارای رابطه معکوس و منفی است.

جدول (۷) مدل رگرسیونی گام به گام مربوط به سهم هر یک از ابعاد ویژگی‌های شخصیتی در تبیین خلاقیت فرزندان

متغیرها	ضریب همبستگی R	ضریب تعیین R Square	Adjusted R Square	F	P
توفیق‌طلبی	۰،۳۳۶	۰،۱۱۳	۰،۱۰۸	۲۵،۱۲۲	۰،۰۰۰
کنترل درونی	۰،۳۹۷	۰،۱۵۸	۰،۱۴۹	۱۸،۲۴۹	۰،۰۰۰
خلاقیت	۰،۴۲۵	۰،۱۸۱	۰،۱۶۸	۱۴،۴۳۷	۰،۰۰۰

همانطور که در جدول فوق مشاهده می‌کنیم در گام اول متغیر توفیق‌طلبی به دلیل دارا بودن بالاترین ضریب همبستگی صفر مرتبه با متغیر وابسته سرمایه روانشناختی وارد معادله رگرسیون شده ۱۱،۳ درصد واریانس متغیر خلاقیت را تبیین کرده است و همچنین مقدار F (۲۵،۱۲۲) موجود در جدول نشان می‌دهد این میزان تبیین شده و در نتیجه مدل رگرسیون در گام اول و در سطح ۰،۰۱ معنی‌دار است. در گام دوم متغیر ریسک‌پذیر کنترل بیرونی به دلیل دارا بودن بالاترین ضریب همبستگی صفر مرتبه با متغیر وابسته سرمایه روانشناختی وارد معادله رگرسیون شده ۱۵،۸ درصد واریانس متغیر سرمایه روانشناختی را تبیین کرده است و همچنین مقدار F (۱۸،۲۴۹) موجود در جدول نشان می‌دهد این میزان تبیین شده و در نتیجه مدل رگرسیون در گام اول و در سطح ۰،۰۱ معنی‌دار است. و در گام سوم متغیر تحمل ابهام به دلیل دارا بودن بالاترین ضریب همبستگی صفر مرتبه با متغیر وابسته سرمایه روانشناختی وارد معادله رگرسیون شده

۱۸،۱ درصد واریانس متغیر سرمایه روانشناختی را تبیین کرده است و همچنین مقدار  $F$  (۱۴،۴۳۷) موجود در جدول نشان می‌دهد این میزان تبیین شده و در نتیجه مدل رگرسیون در گام اول و در سطح  $0,01$  معنی‌دار است.

جدول (۸) ضرایب تأثیر مدل نهایی رگرسیونی متغیرهای مستقل تبیین کننده خلاقیت فرزندان

متغیرها	ضریب تأثیر غیر استاندارد $\beta$	$\beta$	t	P
مقدار ثابت	۹۸،۹۹۶	-	۱۱،۹۷۴	۰،۰۰۰
توفیق طلبی	۱،۸۵۵	۰،۳۱۰	۴،۳۹۳	۰،۰۰۰
کنترل درونی	۱،۲۷۸	۰،۲۴۲	۳،۵۳۰	۰،۰۰۱
خلاقیت	-۱،۱۹۱	-۱،۶۲	-۲،۳۶۵	۰،۰۱۹

بر اساس اطلاعات موجود در جدول فوق، توفیق‌طلبی متغیری بوده است که دارای بیشترین رابطه با متغیر خلاقیت است. ضریب بتا نشان می‌دهد که این متغیر به نسبت سایر متغیرها پیش‌بینی‌کننده قوی‌تری است. متغیرهای کنترل بیرونی و خلاقیت هم که وارد مدل شده‌اند نیز دارای تأثیر معنی‌داری بر متغیر وابسته می‌باشند. نگاهی به جهت تأثیرگذاری متغیرها نشان می‌دهد که متغیرهای توفیق‌طلبی و کنترل بیرونی به‌صورت مثبت بر خلاقیت تأثیرگذار هستند و تنها متغیر بعد خلاقیت دارای رابطه معکوس و منفی است.

### بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر نشان داد که بین ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه مادران و سرمایه روانشناختی دختران رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد. همچنین بین مؤلفه‌های ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینی (تحمل ابهام، کنترل درونی و توفیق‌طلبی) با سرمایه روانشناختی رابطه معنی‌داری یافت شد که با سایر پژوهش‌های صورت گرفته در این باره هم‌راستا می‌باشد (مثلاً با پژوهش‌های والی و همکاران (۲۰۰۹) و هاوس (۲۰۰۲). این در حالی است که رابطه میان ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه مادران با سرمایه روانشناختی

پسران معنی‌دار نبود. کارآفرینان کسانی هستند که تحمل ابهام و توفیق‌طلبی بالایی داشته و بیشتر دارای کنترل درونی هستند و سرمایه روانشناختی بالا به آنها این امکان را می‌دهد که هنگام تجربه شکست و ناکامی انعطاف‌پذیری از خود بروز داده و با اتخاذ سبک استنادی مناسب (خوش‌بینی) به آینده امیدوار بوده و تلاش کنند تا با اعتماد به نفس شرایط را برای از بین بردن وضعیت موجود و تکرار موفقیت‌های گذشته تغییر دهند. همچنین آنویک بحث می‌کند که برای موفقیت در زمینه کارآفرینی بیش از نیاز به سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی به سرمایه روانشناختی نیازمندیم. آنویک از سرمایه روان‌شناختی به‌عنوان اصلی‌ترین فاکتور پیش‌بینی کارآفرینی یاد کرده است. کسانی که از سرمایه روانشناختی بالاتری برخوردار هستند به‌دنبال رشد و پیشرفت بوده و تلاش می‌کنند. لوتانز و همکاران (۲۰۰۷) بیان می‌دارند افرادی که از سطح سرمایه روانشناختی بالایی برخوردارند از انگیزش پیشرفت بالاتری برخوردار بوده و در مواجهه با مشکلات سرسختی بیشتری از خود نشان می‌دهند. و ضمن مقایسه سرمایه روانشناختی و سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی تأکید می‌کنند کسانی که از سطح سرمایه روانشناختی بالاتری برخوردار باشند، تلاش می‌کنند تا سطح سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی خود را در جهت بالا بردن شانس موفقیت خود در زندگی شخصی و شغلی بالا ببرند. همچنین نتایج تحقیق اسپیرر و همکاران<sup>۱</sup> (۱۹۸۹) نشان داد افرادی که یک والد برای مثال پدر یا مادر کارآفرین دارند، به‌گونه‌ای قابل توجه موفق‌تر از افرادی هستند که بدون داشتن مدل‌های نقش ظاهر می‌شوند. مشابه این تحقیق در کانادا نشان داد که ۳۳ درصد کارآفرینان زن مانند والدینشان کارآفرین شده‌اند (لرنر و همکاران<sup>۲</sup>، ۱۹۹۷). اولین فرزند دختر خانواده بیشتر تمایل دارد تا کارآفرین شود که این دختران بیشتر پدر و مادر خود را الگو قرار می‌دهند، بخصوص مادران نیز مانند پدران، الگوی فرزندان خود می‌شوند (بنت و دان<sup>۳</sup>، ۲۰۰۰؛ به نقل از گلرد، ۱۳۸۸). کاماناها<sup>۴</sup> (۲۰۰۷) اظهار می‌دارد محیط کودکی و کاری، ارتباط با والدین، سطح کیفیت تحصیلی در مراحل اولیه و رویارویی با یک مدل واقع‌های از عوامل مؤثر در کارآفرینی هستند. والدینی که اغلب الگوی فرزندان خود هستند ویژگی‌های کارآفرینانه از قبیل استقلال، اعتمادبه‌نفس و انعطاف‌پذیری را مستقیم و

غیرمستقیم به آنها می‌آموزند. تحقیقات نشان می‌دهد که این تأثیرات با حضور یک مادر کارآفرین بسیار تشدید می‌شود (به نقل از گلرد، ۱۳۸۸).

- Scherer & et al  
- Bennett & Dann

- Lerner & et al

بی‌شک عوامل بسیاری در ناهمخوانی بین مردان و زنان در علایق و رفتارهای شغلی کارآفرینانه دخیل هستند. یک عامل ویژه در این زمینه، خودکارآمدی است که یکی از مهارت‌های ضروری در ایجاد شغل است و ثابت شده است که نقش کلیدی در تعیین سطح علایق و تعقیب شغلی کارآفرینانه دارد. به‌طور جالب این‌که تأثیرات برای جنسیت‌ها متفاوت بود. برای مثال کی کول، ویلسون و مارلینو<sup>۱</sup> (۲۰۰۴) دریافتند که خودکارآمدی کارآفرینانه تأثیر نیرومندتری بر علایق شغلی کارآفرینانه برای دختران ۱۹-۱۳ ساله نسبت به پسران داشت. برای دختران ۱۹-۱۳ ساله این نتیجه به‌دست آمد که ادراکات آنان مبنی بر اینکه آنها توانایی‌ها و مهارت‌هایی دارند که به‌عنوان کارآفرینان موفق شوند و این در جهت‌گیری انتخاب‌های شغلی آینده آنان نسبت به پسران بااهمیت بود (ویلسون و همکاران، ۲۰۰۷).

یافته دیگر تحقیق این بود که بین ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه مادران با خلاقیت دختران رابطه معنی‌داری وجود دارد و این در حالی است که رابطه فوق در میان پسران معنی‌دار نیست. این با یافته‌های پژوهش معرفاوی (۱۳۸۱) همسویی ندارد. در تبیین این یافته می‌توان به‌نظر ندهرمان<sup>۲</sup> اشاره کرد که معتقد است زنان این امتیاز را دارند که یاد بگیرند با پردازش نیمکره راست مغز (که بیشتر مربوط به تفکر خلاق است) راحت باشند، این هم به‌علت تأثیرات زیست‌شناختی و هم تأثیرات فرهنگی است. او کشف کرد که زنان به‌طور بالقوه شهودی‌تر هستند، بیشتر کل مغز را به‌کار می‌گیرند، آغوش بازتری نسبت به ایده‌های جدید دارند و فرایند نوآوری را راحت‌تر کنترل می‌کنند. با توجه به این مطالب، در شرایط مناسب حتی امکان اینکه میزان تفکر خلاق دختران بخصوص قشر دانشجو از پسران پیشی بگیرد نیز بعید به‌نظر نمی‌رسد، در عین حال



بایستی توجه داشت تفاوت بین تفکر خلاق دانشجویان پسر و دختر ذاتی نیست و اکتسابی است (قاسمزاده، ۱۳۸۱).

این پژوهش با محدودیت‌هایی مواجه بود از آن جمله با توجه به اینکه تحقیق حاضر

- Kickul, Wilson & Marlino

- Ned Herman

در میان دانشجویان دانشگاه آزاد مرد صورت گرفته است، باید از تعمیم یافته‌های پژوهش به سایر افراد و دانشجویان دیگر احتیاط نمود. و نهایتاً با توجه به اینکه پژوهش حاضر ماهیتاً از نوع همبستگی بود، بنابراین نمی‌توان نتایج به‌دست آمده را از نوع روابط علی- معلولی تلقی کرد که بهتر است در پژوهش‌های دیگر مدنظر قرار گیرد.

۱۳۹۵/۰۳/۰۷

تاریخ دریافت نسخه اولیه مقاله:

۱۳۹۵/۰۷/۱۵

تاریخ دریافت نسخه نهایی مقاله:

۱۳۹۵/۰۸/۱۱

تاریخ پذیرش مقاله:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## منابع

- احمد پورداریانی، م. (۱۳۸۱). کارآفرینی، انتشارات پردیس، چاپ چهارم.
- دائمی، ح؛ مقیمی بارفروش، ف. (۱۳۸۳). هنجاریابی آزمون خلاقیت، تازه‌های علوم‌شناختی، ۶ (۳ و ۴): ۲۷-۱۸.
- شکرکن، ح؛ برومند نسب، م؛ نجاریان، ب؛ شهنی بیلاق، م (۱۳۸۱). بررسی رابطه ساده و چندگانه خلاقیت، انگیزه پیشرفت و عزت‌نفس با کارآفرینی در دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز، مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، ۱ (۳ و ۴): ۱-۲۴.
- علی پور، ا؛ شقاقی، ف؛ برقی ایرانی، ز (۱۳۹۱). توزیع متفاوت مولفه های کارآفرینی در دانش آموزان چپ دست و راست دست، مجله روانشناسی مدرسه، ۱ (۳): ۶۳-۸۱.
- فروهر، م؛ هویدا، ر؛ جمشیدیان، ع (۱۳۹۰). تبیین رابطه سرمایه روانشناختی و کارآفرینی سازمانی اعضای هیات علمی دانشگاه، فصلنامه فرهنگ مشاوره و رواندرومانی، ۲ (۸): ۱۶-۲۵.
- قیدر، ز؛ کیاستی، و (۱۳۸۹). ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینان، چاپ اول، تهران، انتشارات بازتاب.
- گلرد، پ (۱۳۸۸). خانواده و راهکارهای توسعه کارآفرینی ایرانی، پژوهش زنان، ۷ (۲۱): ۱۴۹-۱۳۱.
- مرفاوی، ا (۱۳۸۱). بررسی رابطه عوامل آموزشی و خانوادگی موثر در خلاقیت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان .
- نیسی، ع؛ ارشدی، ن؛ رحیمی، ا (۱۳۹۰). بررسی رابطه علی سرمایه روانشناختی با هیجان های مثبت، بهزیستی روانشناختی، عملکرد شغلی و التزام شغلی، مجله دستاوردهای روانشناختی، ۴ (۱): صص. ۴۶-۱۹.
- Avolio, B.J. & Luthans, F. (۲۰۰۶). *The high impact leader: Moments matter for accelerating authentic leadership development*, New York: McGraw-Hill.
- Ash, R. (۲۰۰۵). *Creating work opportunities, What's entrepreneurship?* Queens University.
- Bower, L. (۲۰۰۸). *Exploring Science & Technology in early entrepreneurship*, University of Southern Queensland.
- De Bruin, A. (۲۰۰۷). *Insights on Entrepreneurship*, Massey University.

- 
- Fry, F. (۱۹۹۳). *Entrepreneurship: A Planning Approach*, Englewood cliffs NJ: prentice Hall, P. ۱۵۸.
- Fogel, Kathy. Hawk, Ashton. Morck, Randall and Yeung, Bernard (۲۰۰۶). *Institutional Obstacles to Entrepreneurship*, Oxford Handbook of In Entrepreneurship.
- Fuduric, Nikolina (۲۰۰۷). *Entrepreneurship and Regional Development*. Regional Studies Association International Conference Gateway ۱۲: Renegotiating Peripheries Lisbon, Portugal.
- House, Bessie. (۲۰۰۲). *Confronting the Odds; African American Entrepreneurship*, [http:// www.civilica. Com/ Papers-MIEAC Title-ASC-AI.Htm](http://www.civilica.com/Papers-MIEAC/Title-ASC-AI.Htm).
- Koen, P.A., Markman, G.D., Baron, R.A., & Reilly, R. (۲۰۰۱). Cognition and personality as predictors of Resource Attainment among corporate Entrepreneurs, *Frontiers of Entrepreneurship Research*, Wellesley, MA: Babson College.
- Luthans, F. Youssef, M. Avolio, J. (۲۰۰۷). *Psychological Capital Developing the Human Competitive Edge*, Oxford University Press.
- Mumammad, Abbas (۲۰۱۱). *Impact of Psychological Capital on Innovative Performance and Job Stress*. Faculty of Management Sciences, Riphah Int'l University Islamabad Pakistan, No. ۴۴۹.
- Stanely, M. (۲۰۰۵). *What's entrepreneurship?* Entrepreneurship (entrepreneurial leadership program faciltator's guide).
- Treffinger, Donald J. Young, Grover C. Selby, Edwin C. Shepardson, Cindy. (۲۰۰۲). *Assessing Creativity: A Guide for Educators*, The national research center on the Gifted and Talented university of Connecticut.
- Wilson, Fiona. Kickul, Jill. Marlino, Deborah. (۲۰۰۷). *Gender, Entrepreneurial Self-Efficacy, and Entrepreneurial Career Intention: Implications for Entrepreneurship Education*, Baylor University.